


با نام خدا


عدالت آموزشی... برنامه تلویزیونی پرسشگر

شبکه‌ی آموزش

۱۱ اسفند ۱۴۰۲

ابعاد کمتر چالشی:

عدالت در بعد جنسیت (دختران) 

عدالت جغرافیایی (مناطق روستایی) 

در رفع نابرابری ناظر به "دسترسی" در مناطق کم برخوردار گل کاشته‌ایم (افزایش چشمگیر نرخ پوشش تحصیلی و به‌طور کلی بهبود چشمگیر شاخص توسعه انسانی که بخشی از آن به توسعه‌ی آموزش مربوط می‌شود). خصوصاً در دوره ابتدایی. با تدابیری مانند روستا مرکزی، مدارس شبانه‌روزی، اعزام راهبران آموزش، سرباز معلم، میدان دادن به نهادهای مدنی و خیرین و حسن استفاده از این ظرفیت فرهنگی چه در بعد سخت‌افزاری و چه در بعد نرم‌افزاری (مدرسه‌سازی و مدرسه‌یاری) این اتفاق رقم خورده است.

هنوز آمار بازماندگان از تحصیل و بیسوادی مطلق نگران‌کننده است.

ابعاد بسیار چالشی... در ابعاد و معانی دیگر عدالت که جنبه‌های جدی‌تر و عمیق‌تر

موضوع هستند البته مشکل داریم... ۷ بعد

۱ چالش عدالت در بعد (فرهنگی) قومی و زبانی... موضوع دو زبانه‌ها و محدودیت‌های سیستماتیک و تاسف‌بار آموزشی ناشی از عدم تسلط به زبان فارسی که زبان رسمی آموزش است. همچنین در این بعد عدم اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی در جهت زنده نگاه‌داشتن زبان و فرهنگ اقوام ایرانی مطرح است.

۲ چالش عدالت در بعد تربیت معلم... سهم مساوی برای همه‌ی استان‌ها برای مشارکت در فعل تربیت معلم غلط است. تعداد مراکز و پردیس‌های زیاد قطعاً به عدالت آسیب می‌زند. خلط مفهوم مساوات با عدالت اتفاق افتاده است. مثال ژاپن آموزنده است. تعداد محدودی دانشگاه تربیت معلم پروپیمان. ما هم باید سیاست پردیس‌های

تربیت معلم منطقه‌ای را دنبال کنیم و مبادرت به امر تربیت معلم در محیط‌های استاندارد دانشگاهی برای کل کشور بکنیم. منطقه‌بندی آموزش عالی می‌تواند ملاک باشد (شاید واگذاری فضاهای دانشگاه پیام نور یا دانشگاه آزاد کار را جلو بیندازد).

۳ چالش عدالت در بعد مدارس خصوصی، بارزترین و خشن‌ترین جلوه بی‌عدالتی به نفع طبقه برخوردار جامعه هستند (برخورداری اقتصادی تعیین‌کننده برخورداری آموزشی!!!). در حکم یک دواى تلخ اما ضروری برای آموزش و پرورش مریض است. شدت اقبال به آن‌ها، نشان دهنده‌ی شدت بیماری و رنجوری نظام است. دارو را نمی‌توان از بیمار دریغ کرد. این هم نه عاقلانه است و نه عادلانه. باید به سمتی حرکت کنیم که نیاز به این دارو نداشته باشیم. یعنی تامین و تدارک محیط‌های یادگیری که بدون پرداخت شهریه پاسخگوی علائق و استعدادهای متنوع دانش‌آموزان باشد. طرح استعداد محور کردن آموزش و پرورش

۴ چالش عدالت و چگونگی تخصیص منابع دولتی... سیاست تقاضا محوری (به جای عرضه‌محوری کنونی که بسیار ناکارآمد است) با رعایت اصل تبعیض مثبت و پیش‌بینی نکردن سرانه برای دانش‌آموزانی که به مدارس خصوصی می‌روند.

۵ چالش عدالت در بعد آموزش‌های فنی حرفه‌ای... از یک سو با مسأله‌ی انسداد تحرک طبقاتی روبرو هستیم... مطالعات از حضور نامتناسب فرزندان طبقه نادرخوردار جوامع در این شاخه حکایت دارد و کارکرد شاخه تحصیلی در نظام آموزشی را یکی از عوامل تثبیت نابرابری‌های اجتماعی می‌دانند... از سوی دیگر تربیت نیروی ماهر نیاز داریم و استعدادهای مهارتی را باید ارج بنهیم. راه‌حل چیست؟ من در طرح اصلی خودم که استعداد محور کردن آموزش و پرورش است ارائه می‌کنم (بند 7) ... سیستمی که فرصت بروز علائق و استعدادهای متفاوت را می‌دهد تا انتخاب مسیر تحصیل بر پایه علاقه و استعداد اتفاق بیفتد که عین عدالت است، و کم‌تر تحت تاثیر جبرهای طبقاتی باشد... گرچه از نمایی دیگر معتقدم اساساً تربیت شغلی کار آموزش و پرورش نیست و در مناسبت‌های دیگر توضیح داده ام که نظام آموزشی باید در قالب مفهوم تخصص‌گرایی نرم عمل کند.

۶ چالش عدالت در بعد استعدادهای درخشان... قطعاً مدل کنونی نیاز به بازبینی دارد. مدل بهینه که پاسخگوی عدالت هم باشد چیست؟... در طرح استعداد محور کردن آموزش و پرورش (بند 7) می‌گوییم.

۷ چالش عدالت در بعد شناسایی و پاسخگویی به استعداد های متفاوت. مهم ترین طرح و پروژه عدالت گستر یا قصه‌ی محوری در باب عدالت آموزشی

اگر بنا به گزینش برای عطف توجه باشد، من به این رای می‌دهم... حل مساله عدالت در بسیاری ابعاد دیگر را می‌تواند به همراه داشته باشد. نوعی پیشران است.

▶ این جا زیرنظام برنامه درسی که قلب نظام آموزشی محسوب می‌شود درگیر است. برنامه درسی باید اجازه دهد دو اتفاق همزمان را بدهد.

▶ شکل‌گیری هویت‌های خاص یا ناهمگون سازی (به موازات هویت عام یا همگون سازی ... نمونه‌های ناهمگون سازی مثلا در تمرکز بر ادبیات/ زبان خارجی/ فنی و مهارتی/ ریاضی/ هنری، البته در سطح غیر تخصصی (آماده شدن برای ورود به عرصه‌های تخصصی) ... لاجرم پای الگوی نظری برنامه‌ی درسی ۳ وجهی به میان می‌آید.

نکته‌ی مهم: در سایه‌ی تکثر مدارس، حق انتخاب والدین هم معنا و موضوعیت پیدا می‌کند.

▶ تکلیف هر دوره تحصیلی بر مبنای پیش فرض پاسخگویی به علائق و استعدادها درباره‌ی عدالت چیست؟

▼ شکل‌گیری و تکوین پلکانی هویت عام و هویت‌های خاص:

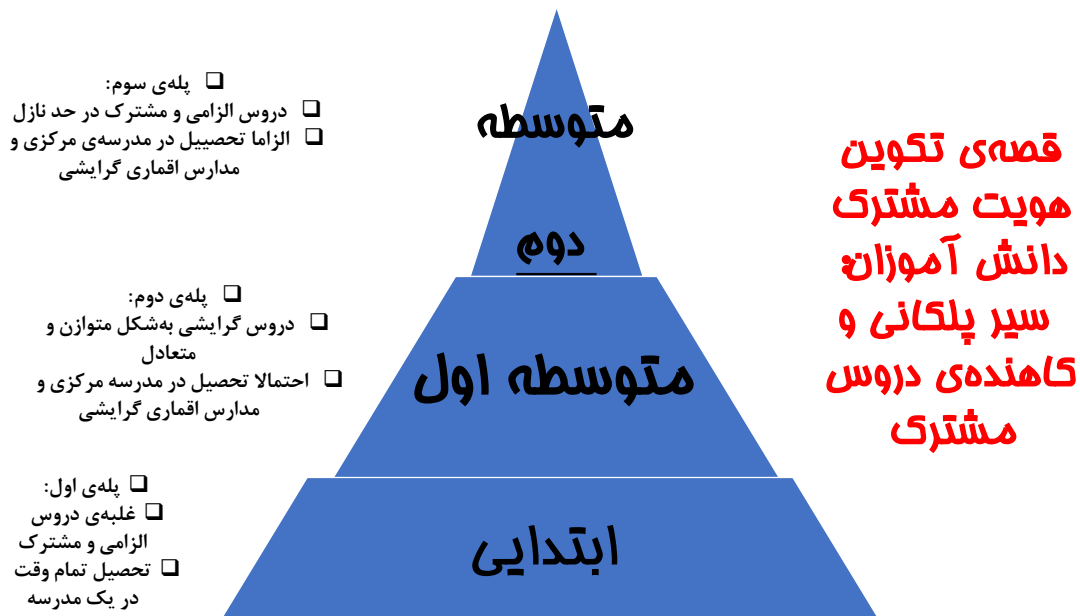
▶ ابتدایی (پله‌ی اول): برپایه‌ی هوش‌های چندگانه... در زیر یک سقف و ایجاد انعطاف در چارچوب برنامه‌ای مانند "شهاب".... تنوع و تکثر در محدوده‌ی روش‌ها و رویکردها و فضای تربیتی (مانند مساله محور، بازی محور، گفتگو محور، طبیعت محور، فبک محور، پرسش محور)

▶ دوره اول متوسطه (پله‌ی دوم): گرایشی، همه‌ی دانش‌آموزان برپایه تنوع استعداد های شناسایی شده در محیط مشترک آموزشی برای دروس مشترک (الزامی) مثلا ۳ روز و محیط‌های آموزشی خاص برای دروس گرایشی متنوع در ۲ روز // (گرچه می‌تواند شکل مطلوب باشد، اما ماندن زیر یک سقف هم متصور است... جداسازی نخبگان و استعداد های برتر نباید اتفاق بیفتد... تنوع و تکثر بر پایه روش و محتوا

▶ دوره دوم متوسطه (پله‌ی سوم): تخصصی، در محیط مشترک برای دروس مشترک (الزامی) مثلا ۲ روز و محیط‌های خاص برای حوزه‌های خاص مثلا ۳ روز... تربیت نخبگان و جداسازی استعداد های برتر در این مقطع توجیه دارد (البته اگر تقاضا، رغبت و کششی برای آن باقی بماند). ... باز هم تنوع و تکثر برپایه روش و محتوا

▼ آموزش و پرورش آرمانی و عدالت محور (کلان پروژه) را که مفهومی پیچیده است با یک تصویر ساده می توان بازنمایی کرد: دو مثلث (یکی ایستاده بر قاعده و دیگری ایستاده بر راس)

▶ یکی برای تکوین هویت مشترک یا ملت سازی: مثلث ایستاده روی قاعده... هر چه مقطع تحصیلی پایین تر، برنامه ها فربه تر



▶ دیگری برای تکوین هویت خاص و پاسخ به تفاوت‌ها در استعدادها و علایق: مثلث وارونه، هر چه مقطع تحصیلی بالاتر، برنامه‌ها فربه تر

متوسطه دوم

- پله‌ی سوم:
- غلبه‌ی دروس گرایشی
- الزامات تحصیل مدرسه‌ی مرکزی و مدارس اقماری گرایشی

متوسطه اول

- پله‌ی دوم:
- دروس گرایشی به شکل متوازن و متعادل
- احتمالاً تحصیل در مدرسه مرکزی و مدارس اقماری گرایشی

ابتدایی

- پله‌ی اول:
- دروس گرایشی در حد نازل
- تحصیل تمام وقت در یک مدرسه

**قصه‌ی تکوین
هویت خاص
دانش‌آموزان
سیر پلکانی و
فزاینده دروس
گرایشی**